



طرح جدید رده‌بندی کتب اسلامی

مقدمه طرح رده‌بندی

این شکل رده‌بندی اجمالی موضوعی برای کتب اسلامی پس از بررسی دقیق ادبیات معاصر مسلمانان به زبان انگلیسی طرح ریزی شد. از آنجا که چنین طرحی اسلام را در مرکز خود قرار می‌دهد بر بسیاری از مشکلات و تعصبات طرح‌های رده‌بندی رایج رجحان دارد، هر چند در جهت جامعیت و فراگیری آن کوششی به عمل نیامده است. برای این که طرح قابل اجرا باشد، رده‌ها با تفصیل کافی تهیه شده‌اند. علاوه بر آن، این طرح را می‌توان گسترش داد و آنچه را که در آن ذکر نشده می‌توان به آن افزود. از آنجا که چنین طرحی بر اساس ادبیات معاصر اسلام بنا گذاشته شده، محذوفات این طرح (مثلاً، یک شناسه رده اصلی در علوم) نمایانگر کمبودهایی در ادبیات، بلکه به جرات می‌توان گفت در نحوه اندیشه مسلمانان است.

بر اساس دیدگاه رایج رده‌بندی کولون رانگانانان، این طرح مفاهیم عقیدتی اسلامی را به رده‌های سنتی دانش یا به نحو ساده‌ای به مجموعه موضوعاتی نظیر قرآن، عبادت اقتصاد، تاریخ و مردم و غیره تقسیم می‌کند. هر رده‌ای از دانش در برگیرنده مجموعه‌ای از اصطلاحات مشابه می‌شود. این مجموعه‌ها حاصل بررسی عینی مفاهیمی است که در حیظه موضوع وجود دارند. عموماً اصطلاحات در یک رده، بر اساس نظم عقلی، مثلاً به ترتیب تاریخی انتظام یافته‌اند. معذک در برخی موارد ممکن است هیچ دلیل خاصی برای نظم ارائه شده قابل دریافت نباشد. هر مفهومی با هر رده‌ی دیگر نسبت مشابهی دارد. اگر چنین نسبتی را بتوان برای

مفهوم دیگر به دست آورد، نظم حاکم بر سراسر این طرح، بسان هر رده‌ی دیگری بر اساس سلسله مراتب، مثلاً به ترتیب تاریخی است. وابستگی بین بسیاری از رده‌ها مشهودست، برای مثال سیاست اسلامی وابسته به قرآن، حدیث و سنت است، بنابراین پس از این سه رده جای گرفته است. گروه‌بندی مفاهیم و موضوعات در رده‌ها به ما این اجازه را می‌دهد تا انعطاف پذیری افزونتری را در ترکیب‌های ثانوی داشته باشیم، بدین صورت پیچیده‌ترین موضوع را تا حد ممکن می‌توان به نحو مفصلتری رده‌بندی کرد.

هر کتابخانه‌ای که مختص آثار اسلامی است باید حاوی مواد سایر مذاهب به عنوان «نظرات اقلیت» باشد، یا متغیرات جزئی اسلام سنتی و اندیشه فلسفی مذهبی معاصر را دارا باشد. بدین منوال رده‌ها در این طرح به نحوی دسته‌بندی شده‌اند که مرکز ثقلی از «رده‌های اصلی» E تا U که مستقیماً مرتبط به اسلام هستند در عنوانها وجود داشته باشد. «رده‌های اصلی پیشین» شامل ادیان قبل از اسلام و «رده‌های اصلی پسین» از V تا X، متضمن تفکرها و یا فرق دینی پس از اسلام‌اند.

نشانه‌گذاری مورد استعمال از نوع الفبائی ساده و تجزیه شدنی است، یعنی برای هر رده‌ای یک حرف از الفباء آمده و برای هر اصطلاحی در زیر آن رده ترکیبی از حروف منظور شده است. در جاهای مناسب فواصلی در نظر گرفته شده تا امکان کافی برای گسترش یا جمع کردن طرح را فراهم کند. برای مثال دو اصطلاح اساسی در رده قرآن سوره‌های مکی و سوره‌های مدنی هستند. اگر

شماره 1 (يك) را از حرف I. (ال) مشخص نماید و معنی ویژه دیگری ندارد. اولین رقم (1 تا 4) پس از نقطه يك فرمانمای كمکی را از دیگری متمایز می‌سازد. دو نشانه عددی پشت سر هم باید به وسیله ویرگول از هم جدا شوند.

برخی از اصطلاحات را می‌توان در سراسر طرح در بیش از يك محل به کار برد. از قبیل خاستگاه «Origin of» توسعه «development of» تبلیغ «propagation of» این نشانهای عمومی در پایان رده‌های پسین فهرست شده‌اند و باید که آنها را در گروه قرار داد.

علامت گذاری می‌تواند مفصل و طولانی یا کوتاه و از روی سرعت باشد. در زیر رده اصلی می‌توان خطی کشید تا ما را در توزیع کارتهای ثبت شده که مقدمتا به وسیله اصطلاح رده اصلی بر شده‌اند به داخل نمایه کمک کند. (بخش مربوط به روش بایگانی را ملاحظه کنید). «دیدگاههای کتابها» مقالاتی که باید کد گذاری شوند را با استفاده از رده (نظرات اقلیت) می‌توان ارائه کرد.

روشهای رده‌بندی

برتری مهمتر این طرح رده بندی در آن است که چنین طرحی بر مهارت و توان رده‌بند در کار تصمیم گیری بر روی مفاهیمی که در مورد يك موضوع بیش می‌آید متمرکز است. نمایه الفبائی این مفاهیم همراه با بررسی دقیق رده‌ها به رده‌بند کمک می‌کند تا بهترین مفهوم را برای بازگویی و بیان موضوع انتخاب کند. مشکل منطقی نظم و جمع آوری اصطلاحات در يك موضوع پیچیده به وسیله منطق ذاتی ترکیب رده و نظم ثابت رده‌ها از بین رفته است.

هنگام کد گذاری يك مقاله، رساله، یا کتاب اولین گامی که بر می‌داریم این است که در مورد مفاهیم گوناگونی که محتوای آن مقاله، رساله یا کتاب در بردارد تصمیم بگیریم، البته پس از این که مندرجات موضوع آن به نحو صریح و دقیق بیان شده باشد. در برخی حالات عنوان، مندرجات رساله را معلوم می‌کند. در موارد دیگر قبل از اینکه موضوع را کد گذاری کنیم بررسی دقیقی از آن مطلوب خواهد بود. نظم استنادی که باید دنبال شود مربوط به ساختمان سراسری طرح است، یعنی نظم مذکور همسان نظم رده است. نشانه گذاری الفبائی نظم استنادی را به نظامی الفبائی تقلیل می‌دهد. بدین صورت رده قرآن (F) قبل از ایمان مسلمان (J) بیان شده است. فلسفه (K) قبل از سیاست (M) و مسیحیت (D) قبل از فلسفه‌های معاصر (X) و الخ ذکر شده‌اند.

مثال 1: رساله‌ای نظیر «سیره و شخصیت پیامبر اکرم (ص)»



بخواهیم، هر يك از این دو اصطلاح می‌توانند تا آن حد گسترش یابند که اصطلاحات جملگی سوره‌های مکی و مدنی را دربر گیرند. هر جا که گسترش معنی، قبل از اولین اصطلاح يك رده بتواند به وجود آید، از نشانه گذاری فرعی «g» استفاده می‌شود تا این که امکان افزایش Agh تا Agy قبل از Ah فراهم گردد. تقسیم فرعی «z» برای سایر اصطلاحاتی که تعیین نشده‌اند منظور شده است. در زمان گسترش معنی، بهتر است که نخست حرف وسط را به کار گرفت تا فضای خالی کافی برای گسترش در هر دو طرف حرف وجود داشته باشد. نشانه گذاری عددی مشخص که «نقطه» بر آن مقدم شده در فرمانهای كمکی استفاده شده‌اند. این نقطه فقط به این خاطر به کار برده شده است که هنگام «ماشین نویسی»

نوشته دکتر م.ف. رحمان (روزنامه پیمان جهانی مسلمانین ۱۲ - ۱۰ سپتامبر ۱۹۷۴) نیازی به بررسی مفصل ندارد و به راحتی کدگذاری می‌شود. — Hd

مثال ۲: اینک رساله‌ای را با عنوان «لذات گرسنگی» نوشته م.ح. فاروتی (Impact 3:8) داریم نگاهی سطحی به آن نشان می‌دهد که رساله اصولاً درباره عظمت روزه‌داری نگاشته شده است. این مدرک را در چنین مقامی چنانچه رده‌بندی مفصلی مورد نظر نباشد، می‌توان کدگذاری کرد. با این وصف، اگر رده‌بندی مفصلی مطلوب باشد بررسی جزوه آشکار خواهد نمود که این رساله شامل بحث‌هایی در مورد نماز، زکاة، حج دارد و تفسیری فلسفی از تاثیرات روزه بر کیفیت زندگی امروزه را به دست می‌دهد. در اینجا راهنماهای کلیدی عبارتند از: اهمیت روزه‌داری، نماز، زکاة، حج، تفسیر فلسفی از کیفیت زندگی، بنابراین کد کامل به شکل زیر بدست می‌آید.

Lea, La, Ld, Le [Yed] beg

از آنجا که هدف اصلی این طرح رده‌بندی، تنظیم رده در چنان نظمی است که هنگام تلفیق مفاهیم معنی مدرکی را که رده‌بندی شده به دست دهد در نتیجه اساس رده‌ها باید به ترتیب ذکر شوند یعنی کد این چنین خوانده می‌شود.

Jbea K[Yed]La. Lcg. Ld. Le

طبیعی است که هنگام نقل رده‌ای که بیش از یکبار در اثری ذکر شده، نیازی به تکرار رده راهنما نیست، بلکه به جای آن از (۰) استفاده می‌شود. بدین منوال آخرین کد برای کتاب فوق‌الذکر به شکل زیر در می‌آید.

jbea K[Yed] Lg, Cg, d, e.

مثال ۳: شرحی عمومی در مورد اسلام. نظیر «نظرات و حقایق در اسلام» نوشته حسین نصر (آلن وانورین ۱۹۷۲) را در نظر بگیرید. این چنین کتاب عمومی به راحتی تحت کد E قرار می‌گیرد، مرور کتاب آشکار می‌سازد که نظر شریعت اسلام را تبیین می‌کند. بدین صورت کد ویژه و مناسب آن می‌شود، Ewg.

مثال ۴: کتاب «مسائل اقتصادی و معدنکاری‌های بنگلادش» نوشته این مورخ

(QJ of sch of gn st 12:2 April - June 1974)

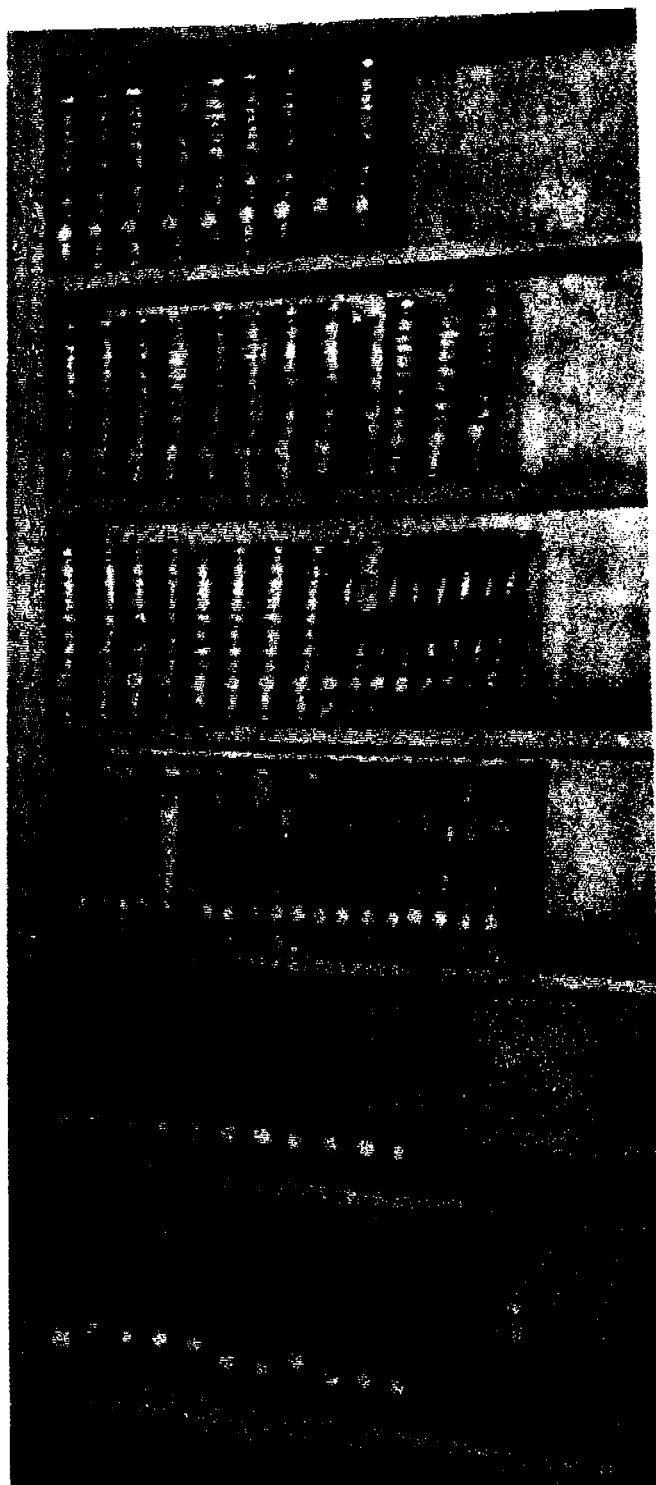
را در نظر بگیرید. کد کامل آن عبارتست از

p[Ybg][Ybh].2636

مثال ۵: کتاب «واقعیت‌های ادبیات معاصر تونس» نوشته

ریچارد حمزاکوئی

(Am J Arb st vol2 1974)



را در نظر بگیرید. کد کامل آن می شود.

Qd . 1279. 2413

ترتیب برگه آرانی

برگه ها را باید براساس رده های اصلی برگه آرانی کرد. اگر موضوعی شامل مفهوم یا مفاهیمی از رده های قبلی یا رده های پسین باشد. کدهای ساخته شده برای این موضوع فقط باید براساس رده اصلی آنها برگه آرانی گردند. اگر دو رده یا بیشتر همان اصطلاحات رده اصلی را داشته باشند. آنها را می توان نخست از طریق اصطلاحات پیش - رده و سپس از طریق اصطلاحات پس - رده پشت نویسی کرد. در هر وضعی برگه ها در حالتی که در رده اصلیشان داشتند باقی می مانند. این تقدم برای اصطلاحات رده اصلی بدین معنی است که تمام موضوعات از طریق ارتباطشان به ایدئولوژی اسلامی، برگه آرانی می شوند. کارتهای فاقد اصطلاحات رده اصلی باید به طور جداگانه برگه آرانی گردند. آن قبیل کارتهائی که اصطلاحات پیش رده ای دارند را باید در مجموعه ای که قبل از رده اصلی قرار می گیرند، نگهداری کرد. و آنهائی را که فقط دارای اصطلاحات پس - رده ای هستند را باید در مجموعه کارتهائی که پس از رده اصلی قرار می گیرند گذاشت. اصطلاحات فرانمای کمکی را در ترتیب برگه آرانی به فراموشی می سپاریم.

برای آثار مشابه نظیر، ترجمه های قرآن بوسیله دو مترجم جداگانه، سه حرف اول نام خانوادگی مترجم یا نویسنده را پس از کد اصطلاحات رده در برانتز قرار می دهیم. این پرانتزها سهم خود را در تنظیم کارتهای نمایه ایفا می کنند.

مثلاً: تفسیر قرآن نوشته الف. ج. آربری

F Qce. 3411(ARB)

معنی قرآن عظیم نوشته م.م. پیکتال

F Qce. 3411(PIC)

طبیعی است که برگه کد ترجمه آربری قبل از برگه کد ترجمه پیکتال قرار می گیرد.

نمایه

در پایان طرح رده بندی يك نمایه الفبائی تهیه شده است. این نمایه شامل اصطلاحات فردی در طرح رده بندی است تا این که کدهای فرعی معادل را بتوان به طور مستقیم بازیابی کرد.

رده بندیهای دانش مسلمانان

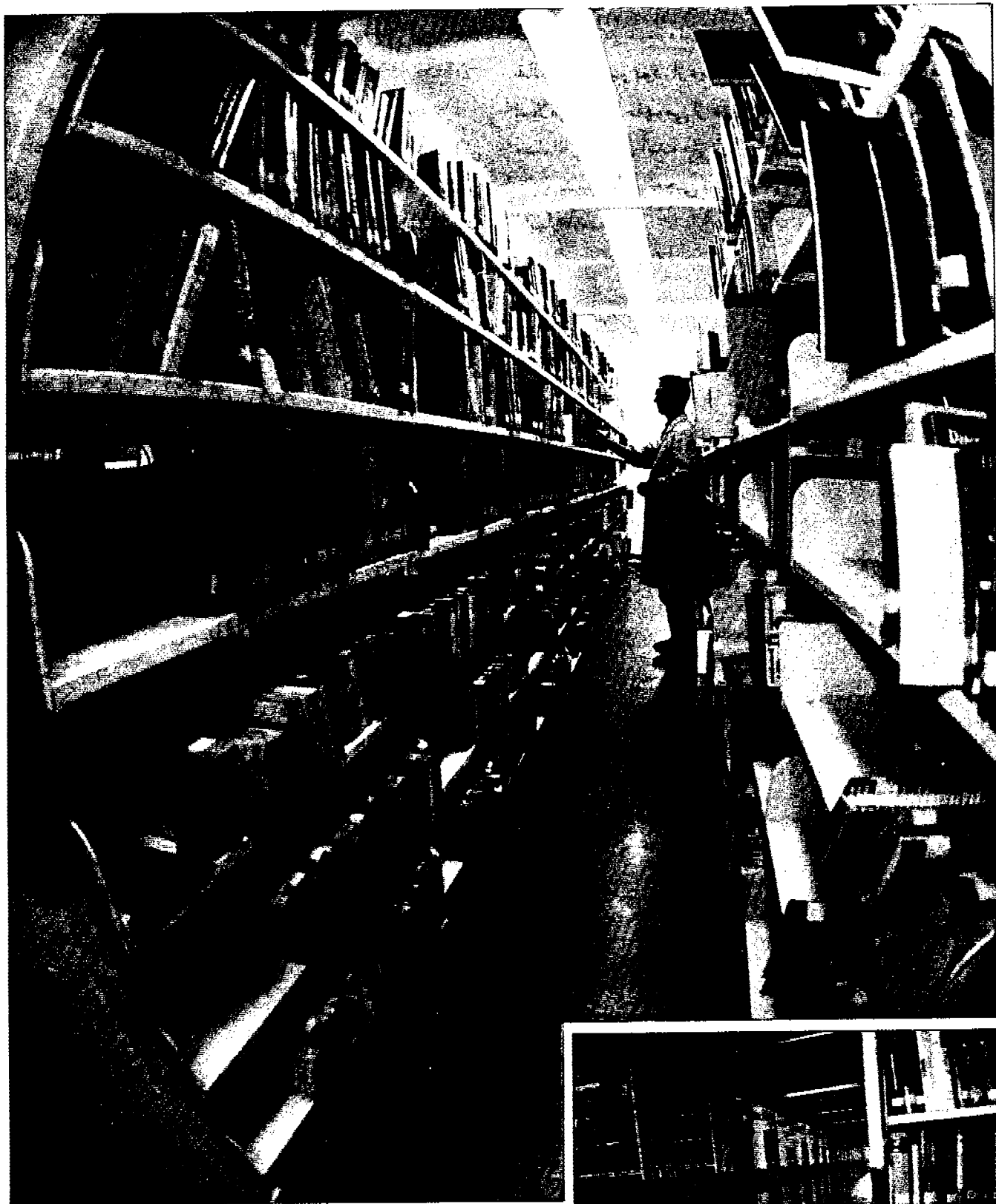
یکی از توانمندترین و بنیانی ترین تعابیر اسلامی، علم است.

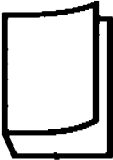
علم، در طی دوران طلائی اسلام تمام ابعاد فردی و رفتار اجتماعی مسلمانان را در سیطره نفوذ خود داشت. چنین نفوذی بر تمام شئون غالب و فراگیر بود. از دیدگاه مسلمانان، صدر اسلام، تمدنی اسلامی، بدون مفهومی از علم، غیر قابل تصور بود. از نظر چنین مسلمانانی، تمدن آینده حتی از این هم فراتر می رود.

بدین منوال تعجبی نیست وقتی در یابیم که تعریف رده بندی و بیان مفهوم علم، عمده ترین اشتغال بسیاری از دانش پژوهان مسلمان در قرون میانه بوده است.

برای اثبات چنین مطلبی، کافی است که تعاریف متعدد علم را که ابن سینا^۱ اسپینولی^۲ (۱۲۷۰) در رساله خود به نام «بُدالعارف^۳» گردآوری نموده است به شهادت بطلبیم. فرانتز روزنتال^۴، بیش از یکصد تعریف را در مقاله ای به نام «تعاریف مسلمین از علم» از کتاب بدالعارف فهرست می کند و حتی در کتاب دیگر خود به نام «دانش پیروز» مطالعه گسترده تری را تدارک دیده و شروع و رده بندیهای علمی دانش پژوهان و دانشمندان مسلمان صدر اسلام را به نحو گسترده تری ارائه می دهد.

رده بندی دانش از نظر اسلامی به همان سان که سرمنشأ مذهبی دارد به ریشه شناسی لغات نیز مربوط می شود. از دیدگاه لغت علم به جای دانش مذهبی استعمال شده و در دو مقوله رده بندی می گردید. نخست، علم المبادی «دانش مقدماتی» یا دانشی که با کلمات و جملات قرآن و حدیث «سنت پیامبر اکرم (ص)» مرتبط بود. و دیگری علم المقاصد «دانش نهایات» یعنی دانش کامل یا دانشی که با ایمان و عمل، بدان وجه که در قرآن و





حدیث تعلیم داده شده، بوده است. نوع سومی به این مقولات افزوده شد، علم المکاشفه بمعنی دانش شهور، یا اشراق که در قلوب مسلمانان زاهد تَلألُو می‌یابد و آنان روشن ضمیری را به صورت حقایق بدان وسیله کسب می‌کنند. بدین منوال سرانجام لغت علم از نظر معنی قبول عام یافت و اصطلاح رایج اسلامی به جای دانش شد و به پایگاهی رسید که در معنی «دانش تجربی» (علوم به جای «علوم تجربی») به کار رفت و عالم در معنای دانش پژوه و بخصوص به جهت معنی فردی که جنبه وروندذهنی را بکار می‌گیرد استعمال شد. هرچند که مفهوم دانش (علم) از جانب بسیاری از دانش پژوهان مسلمان تجزیه و تحلیل شده است و جملگی در ویژگیهای اساسی آن هم‌رأی هستند. دانش پژوهان مسلمان ارزشها را به مثابه بخش کاملی از کل دانش در نظر گرفتند. دانش برآن نبود که از چهارچوب متعالی ارزشهای اسلامی منتزع گردد. چنین تلفیقی بین دانش و ارزشها، يك نتیجه طبیعی در برداشت معنی در چهارچوب علم - که معرفت شناسی اسلام است - جایگاهی برای هر دو جهت عینی و ذهنی، دنیایی و آخرتی پدید آورد. بعلاوه، دانش می‌تواند به همان سان که فخر آفرین است سرزنشبار باشد. برای علم فخر آفرین این امکان هست که در مرحله‌ای از پیشرفتش، سزاوار نکوهش گردد. تشخیص این موضوع برای درک پیشرفت علم و فن از اهمیت قابل توجهی در اسلام برخوردار است. دانش پژوهان مسلمان پیکره دانش را به عنوان يك واحد در نظر می‌گرفتند. یعنی این موضوع مهم و قابل تقدیر است که چنین نظری در جهان‌نگری مطرح شده و در درون این چهارچوب همسان، وجود تنوع معتابه، مدیون شاخه‌های مختلف دانش است. استعمال عبارت «شاخه‌های دانش» در توصیف علوم مختلف، معمولی و با اهمیت خاص بود، به دانش به صورت يك مفهوم اساسی و مقدس نگریسته می‌شد. دانش بسیاری از کیفیات «زندگی» را داراست.

مسأله دانش پژوهان مسلمان برای رده‌بندی علم فقط این نبود که چگونه کتابها را در قفسه‌ها نظم و نسق بخشند، بلکه مسأله آنان نحوه سازماندهی علم بود به صورتی که بشود آن را با يك روش منظم و مدون به نسل آینده انتقال داد. بدین منوال آنان نقشه گسترده طرح‌های رده‌بندی مرتبی را ریختند که در طی قرون متمادی، خاستگاه و زمینه پیدایش نظام آموزشی مسلمانان را ایجاد کرد. شخصیت مجسم و زنده دانش به درختی مانند شده بود و به علوم گوناگون بسان شاخسارهای فراوان همین درخت نگریسته می‌شد. شاخه‌هایی که رشد و نمو می‌کنند و به پیروی از طبیعت درخت، برگ و ثمر می‌دهند. هرچند شاخسارهای چنین درختانی

تا بیکران رشد نمی‌یابند. به همین خاطر مسابطی در محدوده خاص اعمال شود. پی‌گیری شاخه ویژه‌ای از دانش به مثابه فعالیت بی‌ثمر و تقریباً ناروا به نظر می‌رسد. یعنی اگر شاخه‌ای از درخت می‌توانست تا بیکران رشد یابد، بطور حتم تا پایان کارش به انهدام بالمره درخت می‌انجامید. نمی‌توان دانش را به خاطر دانش پی‌گیری نمود. یعنی دانش می‌باید حامل وظیفه‌ای اجتماعی و روشن‌گر باشد، بدین شکل وظیفه طرح‌های رده‌بندی اولیه مسلمانان، فقط منظم کردن کتابها در قفسه‌ها براساس ترتیبی خاص نبود. بلکه هر علم را با توجه به زمینه و وضعیت آن در مجموعه طرح دانش منظور می‌کردند.

برخی از طرح‌های رده‌بندی اولیه مسلمانان

یکی از اولین کوششها برای رده‌بندی دانش در قرن نهم به وسیله الکندی (۸۷۳ - ۸۰۱) انجام یافت. در حالی که فارابی یکی از پرکاربردترین و جامعترین طرحها را در کتاب خود به نام «احصاء العلوم» توصیف کرده است.

جرارد کرمونا با ترجمه لاتین این کتاب تحت عنوان «دانشمندان» آن را به غریبان شناسانده است. حسین نظر طرح فارابی را به طریق زیر تلخیص نموده است.

الف - علوم زبانی: نحو، دستور زبان، تلفظ و نطق، شعر و شاعری

ب - منطق، شامل تقسیم، تعریف و ترکیب، تصورات ساده (درباره مقدمه پروفیری^۴ و مقولات و درباره رساله تفسیر ارسطو) بوده است. پس از اینکه او اصطلاحات را تعریف کرده منطق را به بخشهای زیر تقسیم نموده است:

۱ - شروط لازم برای قضایاتی که در يك قیاس به علم خاصی منتهی می‌شوند. (درباره تحلیل‌های پسین اثر ارسطو)

۲ - تعریف قیاسهای مفید و وسائل کشف دلائل جدلی (درباره جدلیات ارسطو)

۳ - بررسی اشتباهات در استدلالها، و حذف خطاها در احتجاج و ارائه راههای گریز از این اشتباهات (درباره رساله تکذیبهای سوفسطائی اثر ارسطو)

۴ - تعریف فن خطابه: بکارگیری صغری و کبری در برابر عامه (درباره معانی و بیان ارسطو)

۵ - مطالعه شعر: چگونگی تطبیق آن؛ هر موضوع، کوتاهها و نقایص آن (درباره شعر و شاعری ارسطو)

ج: علوم پایه

۱ - حساب: علمی و نظری

۲ - هندسه: علمی و تئوری

۳ - بصریات

۴ - علم گردون‌شناسی، ستاره‌شناسی، حرکات و اشکال

اجرام سماوی

۵ - موسیقی، عملی و نظری

۶ - علم اوزان

۷ - علم ابزار سازی: تولید ماشینهای ساده و وسایل قابل

استفاده در هنر و علوم گوناگون نظیر ستاره‌شناسی و موسیقی

(مهندسی)

د: علوم طبیعی: طبیعیات، مابعدالطبیعه (علم مربوط به خدا

و اصول عناصر (جوهر))

طبیعیات:

۱ - دانش مربوط به اصولی که زمینه اجرام طبیعی است

(مکانیک)

۲ - دانش طبیعت و جوهر عناصر و اصلی که از طریق آن

چنان جوهری برای تشکیل اجرام درهم می‌آمیزند. علم اجرام

مرکب که از چهار عنصر تشکیل شده‌اند و خصوصیات آنها (شیمی)

۳ - علم تولید نیرو و انهدام اجرام

۴ - علم واکنش‌هایی که عناصر به خاطر تشکیل و ایجاد

ترکیبات تحمل می‌کنند.

۵ - علم معادن

۶ - علم گیاهان

۷ - علم حیوانات

متافیزیک (مابعدالطبیعه)

۱ - دانش جوهر هستی

۲ - دانش اصول خاص و عینی (فلسفه اولیه، ارسطو)

۳ - دانش موجودات غیر مادی، کیفیات و خصوصیات آنها

که بالاخره به دانش حق منتهی می‌شوند. یعنی به خدا که یکی از

نامهایش «حق» است و اصل می‌شوند.

ه - علم الاجتماع (جامعه‌شناسی)

۱ - قضاوت

۲ - معانی بیان

اگر چه فارابی رساله جامعی در مورد کیمیا، رؤیاهای و علوم

عامیانه نگاشته است، به نظر نمی‌رسد که او چنین مطالبی را در

طرح خود درج نموده باشد.

ابن سینا در اثر خود بنام «کتاب شفا» و «رده بندی علوم

ذهنی» این مطالب را به رده بندی فارابی افزود و فوق‌العاده از طرح

تجلیل به عمل آورد. به همان سان که علوم گوناگون پیشرفت می‌کردند، طرحهای طبقه‌بندی، گسترده‌تر و مفصل‌تر می‌شدند. غزالی یکی از اساتید دانشگاه نظامیه بغداد بود که به عنوان جامع‌ترین و بدیع‌ترین نغزها شناخته می‌شد، طرح فارابی را گسترده‌تر کرد.

غزالی دانش را براساس سه ضابطه تقسیم و تحلیل نموده است.

۱ - سطح وجوب

- دانش لازم برای فرد، یعنی دانشی که برای ادامه حیات

افراد زیربنائی است. مثل اخلاقیات اجتماعی، اخلاق، قوانین

کشوری (قانون مدنی)

- دانش ضروری اجتماعی، یعنی آنچه که به طور کلی برای

بقای جامعه زیربنائی می‌باشد. مثل کشاورزی، حقوق، طب و غیره.

۲ - منابع

- دانش وحی یعنی دانشهایی که به وسیله پیامبران حاصل

شده‌اند نه دانشهایی که از طریق دلیل و برهان به ما رسیده‌اند،

نظیر ریاضیات یا از طریق تجربه مانند پزشکی یا از طریق شنیدن

نظیر زبان.

- علوم عادی، اولین منابع این علوم تعقل، مشاهده، تجربه و

انتقال فرهنگ هستند.

۳ - وظیفه اجتماعی

- علوم ستودنی، این علوم مفید و واجب‌اند زیرا که

فعالیت‌های این دنیا به داشتن دانش چنین علومی مربوط است، از

قبیل پزشکی و حساب.

- علوم سزاوار سرزنش، این قبیل علوم شامل طالع بینی،

سحر و جادو، و علوم جنگی و غیره‌اند.

فخرالدین رازی (۹۲۵ - ۸۶۴) که یکی از فلاسفه قرن دهم

است. ضمن بکارگیری ضوابط غزالی در کتاب خود به نام «کتاب

شصت علم» رده بندی دانش را در شصت شاخه جداگانه به تفصیل

شرح داد. معذک مفصل‌ترین و کاملترین طرح علوم و رده بندی

آنها در قرن چهاردهم پدید آمد. ابن‌خلدون در اثر ارزشمند خود

به نام «مقدمه‌ای بر تاریخ»، طرح طبقه بندی علوم را ارائه داد. که

در واقع با توجه به این طرح، هنرها و علوم تا قرن هفدهم در جهان

اسلام مورد مطالعه قرار گرفته بودند. مشخصه اساسی طرح

طبقه بندی ابن‌خلدون در تمایز بین علوم «شریعت» و علوم فلسفی

است. علوم «شریعت» در درجه نخست با قوانین اسلامی و مذهب

سرو کار دارد، و علوم فلسفی موضوعاتی نظیر، واکنش، تجربه،

آزمایش و مشاهده را زیر نظر داشت.

مایلم این طور ببندیشم که طرح رایج رده‌بندی جهانی حقیقتاً يك قضیه زنده ماندنی نیست. با دانش می‌توان به عنوان واحدی از يك دیدگاه برخورد کرد. به همان سان که در بالا مشاهده کردیم چه بسیار طرح‌های رده‌بندی سلسله‌مراتبی وجود دارد که دانش پژوهان مسلمان براساس این فرض پی‌ریزی نمودند! ولی ما نمی‌توانیم چنین بیان‌گاریم که بین پیکره‌های دانشی که توسط تمدن‌های بزرگ جهانی ایجاد شده است مطابقت وجود دارد.

از نظر مسلمانان، علم حداقل تابعی از جهان‌نگری است. و حتی در میان يك جهان‌نگری واحد ممکن است عدم مطابقتی در دوره‌ها وجود داشته باشد. به همان صورت که د. و. لانگریج تذکر داده است. حتی در تمدن غربی «مطابقتی بین دوره‌های متفاوت فرهنگ غربی یافت نمی‌شود». پس ما چگونه بتوانیم يك رده‌بندی جهانی را برای بسیاری از جهان‌نگری‌های گوناگون ساکنین کره خاکی توجیه نمائیم؟

چنین به نظر می‌رسد که بر مسلمین جهان فرض باشد. که خود را از قید و بند تحدیدات نقطه نظرات غربی‌ها برهانند تا اینکه اوهم طرح‌های رده‌بندی «جهانی» را در چشم‌انداز واقعی خودشان نظاره کنند. تا اینکه به میراث غنی خودشان در تعاریف رده‌بندیها و تفسیر دانشها پی ببرند. تا این که اندکی بیشتر به اصل خود بازگردند. و دست بدامن نیازها، خواسته‌ها و مسائل مربوط به خود با روش خاص خویش شوند. ❦

1. Ibn Sabin (1270)
2. Budd - al - Arif
3. Frantz Rozenthal

4. در مکتب‌پرزوفیری rophyry و نوافلاطونی مسأله پیدایش موجودات از بیجان به نبات و از نبات به حیوان و از حیوان به انسان مطرح شده است.

نکات عمده رئوس مطالب طبقات دانش‌ها

طبقات ماقبل دانش‌های اصلی	q - آموزش و پرورش
a - دین و مذهب	r - تاریخ و مردم
b - ماقبل دین یهود	s - تمدن و فرهنگ
c - دین یهود	t - امت
d - مسیحیت	u - رفتار و خصوصیات انسانها
	v - مطالب و انتشار معاصر
طبقات اصلی	
e - اسلام	طبقات و رده‌های بعدی
f - قرآن: وحی	w - نظریات اقلیت‌ها
g - حدیث	x - فلسفه معاصر
h - محمد پیغمبر	y - نشان و اسناد عمومی
z - ایمان و عقاید مسلمانان	
k - فلسفه	فهرست‌های کمکی
l - عبادت	۱ - زمان
m - سیاست	۲ - تقسیم‌های فرعی جغرافیائی
n - قانون	۳ - زبان‌ها
p - اقتصاد	۴ - اشکال تقسیم کتابنامه‌ها و شرح آنها